خبر

روایت کودکی عباس کیارستمی منتشر شد

انتشارات کانون پرورش فکری همزمان با هفتمین سالگرد درگذشت عباس کیارستمی، فیلمساز نامدار ایرانی کتاب «من عباس کیارستمی هستم؛ گندمزارهای من» را منتشر کرد. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، مجموعه «کودکی نامداران» (نامداران یک‌صد سال اخیر ایران) در قالب ۱۰ عنوان کتاب به شیوه اول‌شخص و از زبان شخصیت اصلی به کودکی چهره‌های نامدار ایرانی در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. این کتاب به قلم پرویز امینی و تصویرگری پروانه نعمتی، مناسب گروه سنی بالای ۱۲ سال (نونهال) است. مجموعه کودکی نامداران شامل داستان‌هایی است که با شخصیت‌پردازی مناسب و تصویرسازی جذاب، نوجوانان را به فضای زندگی این چهره‌ها در قرن گذشته نزدیک می‌کند. کتاب من عباس کیارستمی هستم، داستان آشنایی و رفاقت کیارستمی با آیدین آغداشلو در دبیرستان جم قلهک را روایت می‌کند. در پشت جلد این کتاب درباره مجموعه کودکی نامداران آمده است: «هر کودک ایرانی، از نامداران آینده ایران است. هر کودک ایرانی پرچمدار هویت ملی ایران است. هر کودک ایرانی اعتماد به نفس ملی ایران است و کودکی نامداران، آینده درخشان کودکان ایران است.» کتاب من عباس کیارستمی هستم؛ گندمزارهای من در ۲۴ صفحه، قطع وزیری و به قیمت ۱۵ هزار تومان با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه منتشر شده است.

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به کارنامه احمدرضا احمدی هنرمند نوگرا
شاعر، پر از تماشا رفت

دیروز برای اهالی فرهنگ و ادب بی‌شک روز خوبی نبود. آنها شاهد درگذشت اسطوره‌ای بودند که اگر نگوییم او تأثیرگذارترین شاعر ایرانی در قرن معاصر است؛ می‌توانیم او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشاهیر ادبیات ایران -چه نثر و چه نظم- معرفی کنیم. هنرمندی که طول زندگی پربار و هدفمندش، نه‌تنها در شعر و داستان که در سایر هنرها به‌ویژه موسیقی و سینما آثار ماندگاری به جای گذارده است.

احمدی ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۱۹ به دنیا آمد و پنجمین فرزند از خانواده‌ای سرشناس و محترم در کرمان بود که نسبش از پدر به ثقه‌الاسلام کرمانی و از مادر به آقا شیخ محمود کرمانی می‌رسید.

طول عمر زندگی او در کرمان به هفت نرسیده بود که به دلیل بیماری پدر، به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و دوران تحصیل را در کنار مدارس معتبر تهران گذراند. او دبستان را در مدارس ادب و صفوی طی کرد و در دوران متوسطه به دارالفنون رفت. همان مدرسه‌ای که گویی همه بزرگان ادب سری به آن زده‌اند.

خودش در شرح آغازین سال‌های زندگی این‌گونه می‌گوید: اصولا در تمام طول زندگی از مدرسه بیزار بودم؛ به‌خصوص از دوره دبستان که بی‌علت هم نبود؛ سال‌های دبستان من، سال‌های سخت ترس، وحشت و سرما بود. کلاس اول دبستان را سال ۱۳۲۶ در کرمان گذراندم، خوب یا بدش را یادم نیست چون خاطره خاصی در ذهنم نمانده اما سال ۱۳۲۷ وقتی به خاطر بیماری چشم پدرم (که به نابینایی‌اش منجر شد) و بستری و معالجه شدن در یک بیمارستان خوب، مجبور شدیم به تهران بیاییم و در این شهر ماندگار شویم، با ثبت نام در کلاس دوم دبستان و شروع تحصیل در این پایه، ضرباهنگ بیزاری من از درس و مدرسه هم شروع شد...».

این بیزاری دائمی باعث شد تا او دوران متوسطه را نیز نتواند آرام بگذراند. او ابتدا در رشته ادبی درس خواند و بعد از یک سال به ریاضیات علاقه‌مند شد، یک سال هم طبیعی خواند و در نهایت با تشویق محسن ملک، رفیق آن روزگارش دوباره ادبیات خواند و در سال ۱۳۴۲ و در ۲۳ سالگی در رشته ادبی دیپلم می‌گیرد.

بی‌علاقگی به تحصیل باعث شد احمدی هرگز به تحصیلات دانشگاهی نرود و به دیپلم اکتفا کند. خودش در این خصوص می‌گفت: «از دانشگاه فراری‌ام. به دخترم هم اجازه ندادم به دانشگاه برود. دانشگاه‌های امروزی استعداد آدم‌ها را خراب می‌کند و تمام شور و نبوغ آنها را در قالبی کوکی و بی‌روح می‌ریزد و آن کولی‌گری و عصیان آدم‌ها را ویران می‌کند.»

معلمی که راه هنر را برایش باز کرد

محمد شیروانی بی‌شک برای احمدرضا احمدی نام ماندگاری است. همان معلمی که وقتی او در کلاس هشتم مشغول به تحصیل بود به شاعرانگی‌اش پی برد و ذوق شعر و شاعری را در او زنده کرد.

خودش آن روز را این‌گونه تعریف می‌کند: کلاس هشتم بودم که دهخدا درگذشت و من آن‌قدر شیفته او بودم که بی‌اختیار برایش متنی نوشتم. شیروانی مرا به کلاس دوازدهم برد و از من خواست تا آن متن را برای آنها بخوانم.

شیروانی پس از آن واسطه‌ای شد تا روح ناآرام احمدی به سمت ادبیات برود.

بعدها این استعداد توسط فریدون رهنما پرورش یافت و قوام گرفت. احمدی درباره تاثیر او بر زندگی‌اش می‌گفت: فریدون رهنما از فرانسه آمده بود و من به‌اتفاق ممیز، بهرام صادقی، ایرج گرگین و غلامرضا لبخندی، جلسات مختلفی را با او داشتیم و درواقع در قالب یک گروه نمایشی با او نشست‌وبرخاست داشتیم. حتی قرار بود در یکی از فیلم‌هایش به اسم سیاوش بازی کنم که نشد و آن فیلم هم هرگز ساخته شد. فریدون رهنما خوش‌سخن بود و می‌توانست در میان استعدادهای گوناگون آدمی، قوی‌ترین آن را کشف کند.

کاری که او درباره احمدی کرد، همین بود. یعنی روح شاعرانه او را به او شناساند. در همین زمان احمدی به‌واسطه رمان‌های منتشره توسط انتشارات نیل توانست با بسیاری از رمان‌ها و نمایشنامه‌های مطرح و مشهور دنیا آشنا شود. انتشاراتی که رمان‌های بزرگ را با مدیریت افرادی چون ابوالحسن نجفی، مهدی پرهام، سیروس پرهام و... به نسل جوان آن روزها ارائه می‌کرد.

انتشار اولین مجموعه شعر

اولین شعر احمدی با عنوان «قوطی سیگارش» بود که در مجله ادبی کتاب هفته تیام منتشر شد. پس از آن او توانست اولین مجموعه شعرش را با عنوان «طرح‌ها» در قطع خشتی منتشر کند و به فروش برساند.

طرح‌ها زمانی منتشر شد که جدال میان سنت‌گرایان و نوپردازان نیمایی در اوج بود و بخش بزرگی از جامعه به درک ضرورت تحول شعر نرسیده بودند و میانه‌روهایی چون توللی، مشیری و... به چهارپاره سرایی روی آورده بودند. در چنین روزگاری او با از میان برداشتن مرز شعر و نثر، پیشرو حرکتی متفاوت در شعر معاصر ایران شد؛ حرکتی که خیلی با اقبال عمومی روبه‌رو شد.

داستان فروش این کتاب نیز در نوع خود جالب و قابل تامل است. احمدی در بیان قصه فروش این کتاب گفت: «کتاب «طرح» را با کمک دوستانم کیمیایی و فرامرز قریبیان چاپ کردم. شمارگان کتاب ۵۰۰ عدد بود. این کتاب هیاهو آفرید. علی‌اصغر حاج سیدجوادی که سردبیر «کتاب هفته» بود، از این کتاب استقبال کرد. مسعود کیمیایی و فرامرز قریبیان، نصف آن را در ادارات پیش‌فروش کردند. مرتضی ممیز یک شعر از این کتاب را در کتاب هفته چاپ کرد، مرتضی ممیز پدر تعمیدی این شعر بود. همیشه او را به یاد دارم... مهرداد صمدی این کتاب را برای فروغ فرخزاد برد».

و به این ترتیب از سال ۱۳۴۱، هنرمندی در شعر ایران معرفی شد که قرار بود سبکی جدید براندازد. سبکی که در برابر هنر ملتزم آن دوره، قد برافراشت. سبکی که فردگرایی و بی‌اعتنایی به تمام معتقدات حزبی و مکتبی یکی از ویژگی‌های آن بود و تعهد اصلی‌اش بر تخیل، زبان و هنر بود.

> **نوآوری احمدی در ادبیات کودک و نوجوان سبب شد در سال ۱۳۸۸ نامزد دریافت جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن، معروف به نوبل کوچک شد**

گروه ادبی طرفه و آغاز موج نو ادبی

احمدی با انتشار مجموعه شعر طرح‌ها در نیمه اول دهه ۲۰ سالگی مطرح‌ترین چهره عجیب و غریب شعر نو در مجله‌ها بود: برای پاره‌ای نشریات او به‌عنوان نابغه شعر نو و برای تعدادی، چهره‌ای جهت تفرج خاطر خوانندگان به شمار می‌رفت.

با وجود این شهرت، او سال ۱۳۴۲ و پس از اخذ دیپلم به کرمان برگشت و در سرزمین و موطن پدری‌اش به تدریس مشغول شد. هرچند این مهاجرت زیاد به طول نینجامید و او خیلی زود به تهران برگشت.

در تهران به‌همراه نادر ابراهیمی، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری، انجمنی را به منظور دفاع از سبک جدیدش راه‌اندازی کرد. آنها در این گروه ادبی که به طرفه ملقب شد، تلاش داشتند از موج نویی که راه انداخته بودند، دفاع و اعلام کنند که می‌توان با این اوصاف شعر گفت. ممکن است این نوع شعر شکل قدیم و کلاسیک نباشد اما روح را نوازش می‌دهد. این گروه خیلی زود با استقبال دانشجویانی که سودای انقلابی ادبی را در سر داشتند، روبه‌رو شد. حتی با سرمایه گروه، شماری از آثار نسل جوان نیز به نشر رسید.

قوه محرکه‌ای به نام کانون پرورش فکری

احمدی در سال ۴۵ برای دوره سربازی به کرمان رفت و در روستای ماهونک در سپاه دانش خدمت کرد و پس از بازگشت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول کار شد. همین اشتغال نقطه عطفی در زندگی‌اش بود تا بفهمد باید برای کودکان بنویسد. او با اولین کار داستانی‌اش «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید» در سال ۱۳۴۸ به صورت حرفه‌ای پا به عرصه ادبیات کودک و نوجوان گذاشت.

او با این کتاب نیز برخلاف نویسندگان قدیمی که بر ادبیات تعلیمی، پند و اندرز و آموزش متکی بودند و بر این اعتقاد داشتند که کودک انسانی ناآگاه است و باید با آموزش برای او مسیر انتخاب کرد، موج جدیدی راه انداخت. موجی که به‌جای توجه به آموزش، بر پرورش قدرت تخیل کودکان متکی بود و اعتقاد داشت با پرورش خلاقیت در کودکان می‌توان آنها را در مسیری که علاقه دارند، هدایت کرد.

این اثر گرچه پس از انتشار بسیار مورد تقدیر قرار گرفت اما متاسفانه با نامهربانی مسئولان روبه‌رو و سریعا توقیف و جمع‌آوری شد. این اقدام آن‌قدر برای احمدی سنگین آمد که تصمیم گرفت از حوزه ادبیات کودک کناره‌گیری کند. با این وجود او که دلش پر می‌کشید تا برای بچه‌ها بنویسد، دوباره در ۱۳۴۹ به کانون رفت و در مرکز تولید نوار و صفحه برای کودکان مشغول به کار شد. احمدی بعد از سر و کله زدن با صفحات و نوارهای جذاب کودکان متوجه شد که دیگر نمی‌تواند ننویسد! پس در سال ۱۳۶۴ دست به قلم برد و دو کتاب دیگر با عناوین «هفت کمان، هفت رنگ» و «هفت روز هفته دارم» برای کودکان نوشت و سپس این راه را تا به امروز ادامه داد. راهی که تا سال ۱۳۷۳ و زمان بازنشستگی، بیش از ۳۵ کتاب در زمینه شعر و نثر برای کودکان در پی داشت.

موج نو در ادبیات کودک

احمدرضا احمدی موج نو را با خود به ادبیات کودک آورده بود. گویی یک گروه طرفه نهانی برای خودش در دل ادبیات کودک ساخت و در آن دست به ساختارشکنی، آشنایی‌زدایی، بازی‌های زبانی و آفرینش چیزی زد که به تعبیر یزدان سلحشور «نشان دادن چیزهای غیرقابل فهم با احساسی عمیق» است.

دنیای احمدی تلفیقی از دنیای بزرگسالان و کودکان بود. بخش بزرگسالاش همراه با غم‌ها و رنج‌های یک انسان اجتماعی بود که بیشتر در شعرهایش نمود پیدا کرد و بخش کودکانه‌اش در نوشتن برای کودکان بود ساده و بی‌پیرایه. دنیای کودکانه احمدی پر بود از موسیقی، گیاه، درخت، پرنده، آسمان، باران و دریا. پری‌های سبز و قرمز و آبی که در جست‌وجوی کبوتر سفید بودند و چشم به آسمان داشتند. رنگین‌کمان‌ها نه در آسمان، بلکه روی دیوار و تنها با تیله تشکیل می‌شوند و نوازندگان همان آهنگ‌هایی را می‌نوازند که از گلدان‌ها شنیده‌اند.

ماحصل همه تلاش‌ها

نوآوری احمدی در ادبیات کودک و نوجوان سبب شد در سال ۱۳۷۸ کانون پرورش فکری کودکان، مراسم بزرگداشتی برای این نویسنده گرانقدر برپا و تندیس مداد پرنده را به احمدی اهدا کند. دومین دوره جشنواره شعر فجر نیز بزرگداشت این شاعر را برگزار کرد. در سال ۱۳۸۵، هم به‌عنوان شاعر برگزیده پنجمین دوره جایزه بیژن جلالی انتخاب شد و در سال ۱۳۸۸ نامزد دریافت جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن، معروف به نوبل کوچک شد.

حاصل عمر ۸۳ ساله احمدرضا احمدی ۵۳ دفتر شعر، ۴۳ کتاب قصه و شعر برای کودکان، یک رمان و دو کتاب نثر است. احمدی دیروز از کنار اهالی فرهنگ و ادب رفت اما بی‌شک نامش در کالبد هنر ایرانی برای همیشه باقی خواهد ماند.

زاویه دید

جامع‌الاطرافی با نگاه خاص

اگرچه شعرهای احمد رضا احمدی وزن ندارد اما او در شعر ایرانی دارای وزن است ولی این وزن باعث نشد تا او در سایر هنرها هم سرک نکشد و اتفاقا در نمونه‌های معدودی از فعالیت او در عرصه‌های سینما، موسیقی و نقاشی توانست آثار جاودانه از خود به یادگار بگذارد.

صدای مخملی

احمدرضا احمدی نزدیک به یک دهه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مدیریت تولید موسیقی را بر عهده داشت که در این حوزه، دست به ابتکار جالبی زد که ایده‌اش امروز یکی از گنجینه‌های هنری ایران محسوب می‌شود. او در سمت مدیریتی خود دست به تولید نوارهای صوتی با صدای شاعران معاصر زد که امروز گنجینه مهمی از تاریخ شفاهی شعر ایران محسوب می‌شود. اما بدون شک صدای مخملی و بم او و تسلطش بر زبان شعر، در خوانش برخی از اشعار شاعرانی دیگر نمود پیدا کرد که نمونه خاص و همچنان شنیدنی‌اش، همکاری احمدی با فریبرز لاچینی در آلبوم «ابیات تنهایی» و «در شب سرد زمستانی» است که احمدی اشعاری از سهراب سپهری و نیما یوشیج را چنان می‌خواند که بر فهم هر شنونده‌ای از دنیای شعر می‌افزاید. یا خواندن اشعار قیصر امین پور در آلبوم فاصله توانست به معرفی این شاعر فقید در جامعه معاصر بیفزاید.

گردآوری مجموعه آوازهای فولکلور ایران، تدوین کل ردیف موسیقی ایران، مجموعهٔ بازسازی تصنیف‌های کلاسیک موسیقی ایران، مجموعه زندگی و آثار موسیقیدانان ایران و جهان از جمله دیگر فعالیت‌های احمدی است که امروز نیز بر عرصه تاریخ هنر ایران سایه افکنده است. البته علاقه ذاتی او به کودکان نیز باعث شکل‌گیری مجموعهٔ قصه برای کودکان هم شد که نسل دهه ۶۰ با قصه‌های این مجموعه خاطره‌ها دارند.

رژیستور آرام

هنرمند از نسلی بود که واژه نوگرایی برای همه آنها صدق می‌کند. او همواره سری پرشور در دنیای هنر و نزدیکی بسیاری با هنرمندان عرصه‌های مختلف به ویژه سینما داشت. احمدی به دلیل نزدیکی با سینماگرانی همچون، مسعود کیمیایی، جلال مقدم، داریوش مهرجویی، امیر نادری و... در این عرصه هم تجربیات قابل توجهی دارد. دستیاری زنده‌یاد جلال مقدم برای بهترین ساخته‌اش «پنجره» یکی از این تجربیات است. بازی در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی و حتی نویسندگی فیلمنامه پویانمایی «ملک خورشید» ساخته علی‌اکبر صادقی از دیگر فعالیت‌های احمدی است. آثاری که نمونه‌های درخشان سینما و انیمیشن ایرانی محسوب می‌شود. او در زمینه نقد سینما و البته با صدای جاودانه‌اش در زمینه گفتار فیلم، هم سابقه خوبی دارد و صدای او در فیلم‌های «نار و نی» و «بانوی اردیبهشت» به یادگار مانده است. همین توجه احمدی به دنیای سینما هم باعث شد تا برخی از مستندسازان نیز دست به‌کار ساخت مستند پرتره‌ای درباره او شوند که «وقت خوب مصائب» ناصر صفاریان از این جمله است. البته او همواره از منتقدان جدی سینما بود و گرچه خود در این هنر نفس کشیده بود، سینما را هنری غربی می‌دانست که فرهنگ‌شان بر تصویر بنا شده و فرهنگ ایرانی را زاده دنیای شعر و کلام می‌دانست بر همین اساس سینمایی را می‌پسندید که با شعر سنخیت داشته باشد و جملگی نظرات او در هنر بر سینماگرانی چون امیر نادری و عباس کیارستمی تاثیر گذاشت.

انتزاع امید

احمدرضا احمدی همان گونه که نوگرایی، صفت اصلی‌اش محسوب می‌شود، خود را در قامت یک هنر محدود نکرد و همواره احساس خود را به طرق مختلف بیان می‌کرد. مثل نقاشی‌هایی که در سال‌های اخیر از او در محافل هنری رونمایی شد و زاویه دیگری از احساس هنری را بازتاب داد. احمدی که سال‌ها دوستی با هنرمندان نقاشی همچون علی‌اکبر صادقی و آیدین آغداشلو داشت در بیان‌گری‌اش بر بوم نقاشی، جلوه دیگری از هنرش را به نمایش گذاشت. او در انتزاع بوم‌های نقاشی‌اش آنچنان با رنگ خود نمایی می‌کرد که تمام احساس را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. ذوق کودکانه درونی احمدی که طی هشت دهه با خود حفظ کرد، همانگونه که در اشعارش متجلی بود بر بوم‌های نقاشی هم قابل رصد است. احمدی با رنگ‌گذاری‌هایش جهان احساسی خود را بازنمایی می‌کرد. گرچه احمدی پس از شش دهه شاعری پا به عرصه نقاشی گذاشت اما آثارش به خوبی نمایانگر شناخت او از این هنر دارد. احمدی با نقاشی‌هایش حتی دنیای پر امید کودکانه را به نسل امروز هنر آموخت.

او درباره رویکردش به هنر نقاشی می‌گفت که برای دوری از افسردگی و خانه‌نشینی به نقاشی پناه بردم تا امید همواره در دلش زنده بماند و وقتی مروری بر آثار انتزاعی او در عرصه هنر داشته باشیم به خوبی این امید را از میان رنگ‌ها و ضربه قلم‌هایش می‌توان باز شناخت.

برای شنیدن آلبوم ابیات تنهایی با صدای احمدرضا احمدی، کیوآرکد را اسکن کنید.

برای شنیدن آلبوم دوستت دارم شعرهای احمدرضا احمدی، کیوآرکد را اسکن کنید.

نشست

«۱۳۹» رونمایی می‌شود

کتاب «۱۳۹» نوشته مریم صادقی، امروز در کافه کتاب ناشر رونمایی می‌شود.

این کتاب که انتشارات حدیث قلم آن را منتشر کرده است، با حضور سردار بایرامی، رئیس سازمان ادبیات دفاع‌مقدس رونمایی می‌شود. این کتاب روایت زندگی شخصی است که در تلاطم‌های زندگی محک‌زده می‌شود تا در کوران دوران رشد کند و در سر منزل مقصود، خواننده را به تأمل وا دارد.

نویسنده در این اثر به روایت زندگی یونس، نجیب‌زاده روستایی می‌پردازد که از بد روزگار قدم به کلانشهر تهران می‌گذارد. او که ۱۲ بهار بیشتر بر خود ندیده، وظیفه تأمین مخارج زندگی خود و خانواده برعهده‌اش است و با چالش‌های مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

مریم صادقی در کتاب ۱۳۹، مجموعه‌ای از تضادها را همچون خیر و شر، زشت و زیبا، مردی و نامردی و غم و شادی را به رشته تحریر درآورده و مخاطب را تا پایان داستان همراه می‌سازد. مراسم رونمایی از این کتاب از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در کافه کتاب ناشر واقع در تهران، سوهانک، میدان شهید سوهانی، برج زنبق برگزار می‌شود./ مهر

دیدگاه

انتقاد از عملکرد کانون پرورش در سال‌های اخیر

کمال شفیعی، شاعر و مدیر دفتر ادبیات کودک و نوجوان حوزه هنری با اشاره به این‌که ادبیات کودک و نوجوان در کشور ما خیلی جوان است، تقریبا عمری کمتر از ۷۰ سال دارد، گفت: از یک طرف هم هیچ نهاد متولی که بار ادبیات کودک و نوجوان را به دوش بکشد، نداریم. اگر قبلا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است؛ اکنون کانون در سال‌های اخیر عملا درگیر جناح‌بازی‌ها و جریان‌ها بوده که از آن فعالیت اصلی و اثرگذاری دور شده است.

وی گفت: با آمدن هر رئیس جمهور و وزیر آموزش و پرورشی، مدیرعامل‌های کانون عوض شده‌اند و این مدیران عامل هم نه براساس نیاز جامعه، بلکه براساس ذوق و سلیقه خودشان هر بار یک بخشی را تقویت کرده‌اند یا با سیاست‌گذاری‌های‌شان بخشی ضعیف شده است. به‌عنوان مثال این مدیرعامل گفته؛ امسال انگیزه و تلاش ما این است که کتاب چاپ کنیم و مدیر بعدی گفته چه کسی گفته که کتاب چاپ کنیم؟ باید عروسک تولید کنیم! البته چنین مشکلی فقط در کانون نیست؛ در حوزه هنری و دیگر نهادها هم همین گونه است./ تسنیم

قاب

شاعران از مباهله گفتند
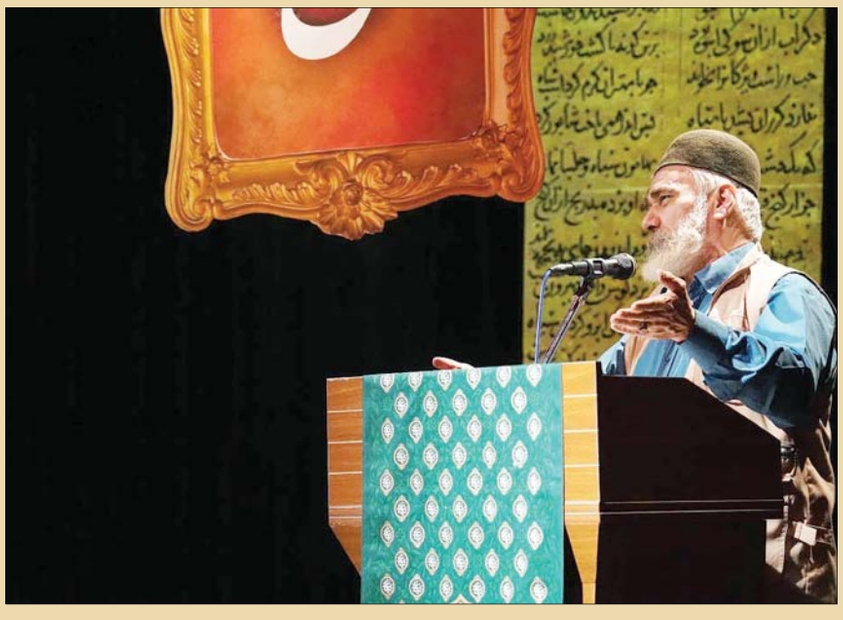
نشست این هفته محفل ادبی حوزه هنری به‌مناسبت نزدیک شدن به سالگرد عید مباهله؛ با نام «غدیر تا مباهله» با حضور گروهی از شاعران کشور در تالار مهر حوزه هنری برگزار شد. در این نشست ادبی شعرهای شاعران درباره دو رویداد بزرگ تاریخ اسلام یعنی غدیرخم و مباهله برای مخاطبان خوانده شد. در این تصویر خبرگزاری ایبنا، یوسفعلی میرشکاک را در حال قرائت قصیده معروف «غدیر» خود برای حاضران مشاهده می‌کنید.